تحلیل عناصر تهدید اقتصادی- کارکردی و شکلی-کالبدی در نظام تقسیمات کشوری ایران

هادی اعظمی (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده‌ی مسؤول)
aazami@um.ac.ir
علی اکبر دبیری (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)
a.a.dabiri1365@gmail.com

چکیده

تقسیمات کشوری یکی از مهمترین و مؤثرترین ابزارهای حکومت در سازماندهی سیاسی فضا به شمار می‌رود. در ایران نیز تقسیم بندی فضای کشور به واحدهای کوچکتر دارای سابقه‌ی دیرینه‌ای است و از شکل‌گیری اولین حکومت سرزمینی (هخامنشیان) تا به امروز، برای اداره و کنترل مطلوب تر فضای سرزمین مورد استفاده قرار گرفته است. نقش و کارکرد تقسیمات کشوری و ارتباط مستقیم آن با بقاء ملی، تسهیل اعمال اراده حکومت، توسعه‌ی متوازن منطقه ای، و.... نشان‌دهنده‌ی اهمیت تقسیمات کشوری در ایجاد بسترهای مناسب توسعه و پیشرفت کشور است. اما در ایران وجود پاره ای از عوامل تهدید آفرین در نظام تقسیمات کشوری باعث ضعف و ناکارآمدی تقسیمات کشوری موجود در عمل به وظایف خود شده است. در این میان تهدیدات اقتصادی- کارکردی و شکلی-کالبدی به دلیل نقش و کارکرد خود دارای اهمیت زیادی هستند. در این مقاله تلاش شده است که مهمترین عناصر تهدید کارکردی- اقتصادی و شکلی-کالبدی شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند.

کلیدواژه‌ها: سازماندهی سیاسی فضا، نظام تقسیمات کشوری، ایران، تهدیدات تقسیمات کشوری.

درآمد

سازماندهی سیاسی فضا[1] به مجموعه ای از ابزارها، روش ها و تکنیک‌ها گفته می‌شود که توسط قدرت سیاسی حاکم (حکومت و نهادهای وابسته به آن) برای کنترل، مدیریت و بهره‌برداری مناسب‌تر از فضا مورد استفاده قرارمی‌گیرد. و شامل طیف گسترده ای از ابزارها و روش‌ها مانند: تقسیمات کشوری[2]،

---

1. Political Organize of Space
2. Administrative Divisions

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۳۰ تاریخ تصویب:۱۳۹۱/۳/۲۴

بازارچه‌های مرزی[1]، مناطق آزاد تجاری[2] و هرآنچه در راه کنترل و مدیریت بهتر فضا مورد استفاده قرار گیرد، می‌شود.

پیشرفت، توسعه، عدالت محیطی و برقراری امنیت بنیاد مدیریت سیاسی فضای[3] ملی محسوب می‌شوند.(کاویانی راد،۱۳۸۹: ٤٥) تقسیمات کشوری به عنوان یکی از این ابزارها، به سلسله مراتبی اداری-سیاسی در تقسیم هر کشور به واحدهای کوچکتر، برای سهولت اداره آن و تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی گفته می‌شود. این تقسیم بندی گاهی برمبنای تاریخ و فرهنگ، اوضاع جغرافیایی و جمعیت وگاهی برحسب ملاحظات سیاسی صورت می‌پذیرد (وزارت کشور ،۱۳۸۷). تنها در مورد کوچکترین کشور هاست که امکان دارد از پایتخت یک کشور، بدون اتخاذ یک یا چند طبقه واسط اداری، به طور کامل و مستقیم بر سرزمین آن کشور حکومت کرد(مویر،۱۳۷۹:۱۵۱). کارکرد تقسیمات کشوری که شاید مورد توجه تمام نظام های سیاسی می‌باشد عبارت است از تامین امکانات و خدمات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین ترین سطح سیاسی (احمدی پور و منصوریان،۱۳۸۵: ۳٦۹). و در واقع هدف کلی تقسیمات کشوری تهیه چارچوب و بستری مناسب برای تداوم بقای ملی، امنیت ملی و تسهیل توسعه‌ی متوازن منطقه ای است (کریمی پور، ۱۳۸۱: ٤) مادامی که تقسیمات کشوری صحیحی نداشته باشیم، بازده هرگونه برنامه‌ریزی در سطح ملی، منطقه ای و محلی ناچیز خواهد بود(رهنما واحمدی پور، ۱۳۸۲: ۳٦). آنچه مسلم است در کار تقسیم بندی کشور هدف به دست دادن واحد یا واحدهایی است که قابلیت اداره و بهربرداری بیشتر و بهتری در تأمین هدف‌های مورد نظر داشته باشند(بدیعی.۱۳٦۲:۲۱٤). بنابراین با توجه به اهمیت و نقش تقسیمات کشوری در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی –امنیتی، فرهنگی، زیست محیطی و در مجموع بقاء ملی، شناسایی کاستی ها و نارسایی‌های نظام تقسیمات کشوری امری الزامی است. در ایران نیز نظام تقسیمات کشوری کنونی و روح حاکم بر آن علاوه بر کاستی های بارز کالبدی، در بعد ایجاد انگیزه برای کسب و کار، عمران و آبادی، جلب مشارکت شهروندان، تقویت توان تصمیم سازی و تصمیم گیری ناحیه ای و کاستن از دیوان سالاری لنگ و بیمار است (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۱۰). در نظام تقسیمات

1. Frontier Markets
2. Regions Free
3. Space Political Management

کشوری کنونی ایران منابع تهدید و نارسایی های متعددی مشاهده می‌شود که در این میان تهدیدات اقتصادی– کارکردی و شکلی–کالبدی از مهمترین آنها محسوب می‌شوند.

اصول و اهداف عمده تقسیمات کشوری

در شکل دهی و طراحی نظام تقسیمات کشوری اصول، اهداف و ملاحضات متعددی باید مورد توجه قرار گیرد، که از دیدگاه اقتصادی و کارکردی و همچنین شکلی– کالبدی مهمترین این اصول و اهداف عبارت‌اند از:

- تمرکز زدایی و در نتیجه الزام بر کوچک سازی فضایی واحد سیاسی؛
- تسهیل ارائه خدمات به مردم؛
- دسترسی مردم به کانون ناحیه و مراکز خدمات دهی؛
- رضایت‌مندی شهروندان و ساکنان از شکل و الگوی ناحیه و تعلق و وابستگی به آن؛
- توسعه پویا، مستمر و پایدار همه جانبه ناحیه؛
- ایجاد فرایند توسعه منطقه‌ای و بارورسازی پتانسیلهای درون مکانی و ناحیه‌ای؛
- تدوین الگوی معیاری برای شناخت نواحی متجانس؛
- تدوین الگوی معیاری برای قطب‌یابی و کانون‌یابی ناحیه‌ای با استفاده از مدل‌های جاذبه[۱]، آنالیز جریان‌ها[۲]، نظریه‌ی مکان مرکزی[۳] و غیره؛
- تدوین الگوی معیاری و روش‌های مناسب برای قلمرویابی کانون‌ها(تعیین حوزه نفوذ)؛
- تجانس یابی ناحیه‌ای با هدف تقسیم فضا به واحدهای تقسیماتی سطح اول؛
- کانون‌یابی در نواحی براساس الگوی معیاری مربوط و تعیین رتبه‌ی سلسله مراتبی آن‌ها؛
- توجه به قابلیت‌ها و استعدادهای اقتصادی– اجتماعی ناحیه و مکان برای شکل‌گیری فرایند توسعه خود اتکا و درون زا؛

1.Gravity models
2. Analysis of Currents
3. Central place theory

- شکل‌گزینی مناسب فضا و ترجیح اشکال فشرده بر اشکال طویل و زایده دار.(حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۲۳)؛
- فراهم سازی بسترهای توسعه متوازن منطقه ای؛
- توجه به ویژگیهای تاریخی و فرهنگی ناحیه.

روش تحقیق

روش مطالعه این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن، تحلیلی _ توصیفی و مبتنی بر استدلال و تحلیل است. در جمع آوری اطلاعات از روش های گوناگون استفاده شده است و به طور کلی مبتنی بر منابع کتابخانه ای و استفاده از منابع آماری مرکز آمار ایران و وزارت کشور می‌باشد. در این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن تلاش شده است به اندازه‌ی کافی از نقشه و نمودار استفاده شود. همچنین در تهیه و ترسیم نقشه ها از نرم افزار GIS استفاده شده است.

در ادامه به بررسی مهمترین عناصر تهدید اقتصادی- کارکردی و شکلی- کالبدی در نظام تقسیمات کشوری می‌پردازیم.

۱. تهدیدات اقتصادی- کارکردی نظام تقسیمات کشوری ایران

۱-۱. عدم انطباق الگوی تقسیمات کشوری با سایر تقسیم بندی ها(حوزه های انتخاباتی، محیط زیست، نظامی و انتظامی)

ساختار تقسیمات فضا باید متناسب با نیاز ها و ویژگی های ملی و محلی، کارکردهای متفاوتی داشته باشد. انطباق قالب‌های فضای رأی‌گیری در سطوح مختلف با الگوی تقسیمات کشوری یکی از این نیازها و ویژگی ها به شمار می‌آید. بنابراین در طراحی و اصلاح قانون و نیز تقسیم بندی فضا بر پایه آن، باید پارامترهای مذکور نیز مورد ملاحظه قرار گیرد(حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۹۹). در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۵ تیر ۱۳٦۲ در ایران نیز اشاره ای به حوزه های انتخابیه شده است. به گونه‌ای که در تبصره دو در فصل دوم (نظام تقسیمات کشوری) این قانون در مورد حوزه های انتخابیه بیان شده است که «حوزه های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی الامکان منطبق بر محدوده شهرستان ها و هر حوزه

انتخاباتی متشکل از یک یا چند شهرستان خواهد بود. محدوده‌ی حوزه های انتخابات را قانون مشخص می‌کند»

بیشتر سیستم‌های انتخاباتی از مبنایی جغرافیایی برخوردارند؛ به این صورت که اعضا به عنوان نمایندگان نواحی خاص برگزیده می‌شوند(تایلور و جانستون،۱۳۸٦: ۳٦۲). و حوزه های انتخاباتی فضاهای جغرافیایی و نواحی مشخصی هستند که براساس شاخص های خاصی تعیین می‌شوند. در ایران، بین حوزه‌های انتخاباتی و واحدهای تقسیمات کشوری (استان) انطباق کاملی وجود ندارد. در این کشور در چهار سطح حوزه بندی انتخاباتی وجود دارد که شامل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا می‌باشد. در انتخابات ریاست جمهوری هر چند کشور به حوزه های انتخاباتی متعددی تقسیم می‌شود، اما به دلیل ماهیت و نوع انتخابات تطابق حوزه های انتخاباتی و واحدهای تقسیمات کشوری لزومی ندارد. در انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا میان حوزه های انتخاباتی و واحدها و عناصر تقسیمات کشوری (استان، شهر و روستا) انطباق وجود دارد. به این ترتیب که هر استان و شهر و روستا با توجه به جمعیت خود تعدادی نماینده در مجلس خبرگان و شورای شهر و روستا در اختیار دارد. اما در حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی انطباق کاملی میان واحدهای تقسیمات کشوری و حوزه های انتخاباتی مشاهده نمی‌شود. که این موضوع باعث ایجاد مشکلاتی در کارکرد مناسب تقسیمات کشوری و حتی ایجاد درگیری و نارضایتی میان مردم شده است. یکی از مصادیق عدم انطباق حوزه های انتخاباتی با واحدهای تقسیمات کشوری را می‌توان در حوزه‌ی انتخاباتی تعیین شده برای دو شهرستان فردوس و طبس مشاهده کرد. در حالی این دو شهرستان در یک حوزه‌ی انتخاباتی قرار گرفته‌اند و دارای یک نماینده در مجلس شورای اسلامی هستند که شهرستان فردوس در نظام تقسیمات کشوری در استان خراسان جنوبی قراردارد و شهرستان طبس در استان یزد جای گرفته است. این موضوع ضمن ایجاد مشکلات متعددی در امر مدیریتی، تخصیص و توزیع بودجه و امکانات، نارضایتی مردم را نیز به دنبال داشته است. یکی دیگر از بی تناسبی‌ها و عدم انطباق‌ها میان واحدهای اول تقسیمات کشوری (استان‌ها) با مناطق طبیعی و زیست محیطی است. در واقع نظارت عالیه بر اجرای استانداردهای محیط زیستی که در شمار مسؤولیت‌های دولت مرکزی است، نمی تواند بدون دخالت در شیوه و چارچوب‌های تقسیم سیاسی فضا

اعمال گردد. لازمه‌ی چنین نظارتی، اعمال مدیریت یکپارچه بر مناطق ساحلی، اکوسیستم‌های تالابی، مردابی، کوهستانی، جنگلی و سایر موارد است؛ در این شرایط، مدیریت های چندگانه ناحیه ای با قرارگرفتن یک اکوسیستم واحد در دو یا چند ناحیه، بسیار مشکل آفرین خواهد بود.(کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۰۷) در ایران نیز اکوسیستم ها به طور کلی شامل شش منطقه‌ی اکوسیستم خلیج فارس، دریای خزر، ناحیه خزری، نواحی کوهستانی(البرز و زاگرس)، نواحی بیابانی و حاشیه کویر، علفزارها(مرتع) می‌شود (http://www.zist1.blogfa.com) در نظام تقسیمات کشوری به آن توجهی نشده است. همچنین عدم انطباق میان مرزها و محدوده‌های واحدهای تقسیمات کشوری در ارتباط با تقسیم بندی فضای کشور توسط نیروهای نظامی و انتظامی مشاهده می‌شود. به طوری که در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در تبصره ۱ ماده ١٤رعایت محدوده کلیه‌ی واحدهای تقسیمات کشوری برای تمامی واحدها و سازمان های اداری و نهادهای انقلاب اسلامی به جز نیروهای نظامی و انتظامی الزامی است. (قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، وزارت کشور). به همین دلیل نهادهای نظامی و انتظامی تقسیم بندی ها و حوزه بندی های متفاوتی از الگوی تقسیمات کشوری موجود برای انجام وظایف و شرح عملیات خود ایجاد کرده‌اند، که معمولاً شامل چند استان در هر یک از نواحی کشور می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت وجود محدوده‌ها و حوزه‌بندی‌های متفاوت با نظام تقسیمات کشوری در ایران باعث تداخل مدیریتی شده از عملکرد موفق و مؤثر نظام تقسیمات کشوری کاسته است. از آن‌جا که تقسیمات کشوری مهمترین ابزار حکومت برای سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا به شمار می‌آید، باید حتی المقدور در ایجاد و تعیین محدوده‌های واحدهای تقسیمات کشوری تمام شاخص‌ها و عوامل طبیعی و زیست‌محیطی، امنیتی و نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، شکلی و کالبدی و غیره در نظر گرفته شود. در واقع نظام تقسیمات کشوری باید به گونه‌ای طراحی شود که تمام کارکردهای مورد نیاز را به‌طور یک‌جا داشته باشد و لزومی به ایجاد تقسیمات جداگانه انتظامی– نظامی، انتخاباتی، زیست محیطی، اقتصادی و.... نباشد.

۲-۱. شکل گیری بی عدالتی فضایی و جغرافیایی میان استان‌ها

نظام تقسیمات کشوری کنونی به شکلی طراحی شده است که در آن فرصت های جغرافیایی به طور مناسبی میان استان ها توزیع نشده است. از جمله فرصت ها و منابع جغرافیایی که در توزیع استانی آن عدالت فضایی لحاظ نشده است، می‌توان به منابع فسیلی(نفت و گاز)، معادن، سواحل و آب شیرین اشاره کرد.

۱-۲-۱. منابع فسیلی (نفت و گاز)

تراکم منابع نفت و گاز ایران از لحاظ جغرافیای طبیعی و ویژگی های زمین شناسی بـه طـور کلـی در جنوب و جنوب غربی این کشور قرار گرفته‌اند. این موضوع به همراه شـکل الگـوی تقـسیمات کـشوری باعث شده است که بیشتر منابع فسیلی در سه استان خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویر احمد قرار گیرد. و سایر استان ها از فرصت ها و مزایای در اختیار داشتن منابع نفتی و گازی محروم بمانند.

در اختیار داشتن منابع فسیلی در کنار صنایع مرتبط با آن مخصوصاً نفت و گاز فرصت مناسبی را برای افزایش در آمد، اشتغال زایی و در نتیجه توسعه‌ی منطقه‌ای فراهم می‌کند. بنابراین نکته‌ی قابـل توجـه ایـن است که به رغم تراکم منابع نفت و گاز در این سه استان، به جز استان خوزستان سایر استانها نفتـی جـزو استانهای فقیر و کمتر توسعه یافته محسوب می‌شوند. بنابراین مشاهده می‌شود نظـام تقـسیمات کـشوری، ضمن آن‌که باعث تراکم ذخایر نفت و گاز در چند اسـتان شـده اسـت و سـایر اسـتان‌هـا را از امتیـاز در اختیارداشتن این منابع محروم ساخته است. نتوانسته است نقش چندان موثری در توسعه‌ی استان‌های نفتی و گازی نیز ایفا کند.

نقشه شماره ۱: توزیع مکانی منابع نفتی و گازی در ایران



Source: http:www://upload.wikimedia.org

۲-۲-۱. سواحل و آب های آزاد

ایران از طریق خلیج فارس و دریای عمان به آب‌های آزاد ارتباط دارد. دسترسی به آب‌های آزاد یک امتیاز جغرافیای و ژئوپلیتیکی[1] محسوب می‌شود و کشورهایی که از دسترسی به آن محروم هستند معمولاً دارای اقتصادی ضعیف و وابسته‌اند. در مورد واحدهای سیاسی درون کشوری نیز این موضوع به طور نسبی صدق می‌کند و معمولاً شهرها و ایالت هایی که در کنار آبهای آزاد قرار دارند از لحاظ سطح توسعه و پیشرفت موقعیّت مناسب‌تری را دراختیار دارند. به گونه‌ای که اغلب پایتخت ها و شهرهای بزرگ در کنار سواحل یا در نزدیکی آن قرار گرفته اند. از جمله‌ی آنها می‌توان به لندن،[2] توکیو،[3] واشینگتون،[4] نیویورک،[5] سیدنی[6] و غیره اشاره کرد. ایران نیز از طریق خلیج فارس و دریای عمان با دریاهای آزاد ارتباط دارد. طول سواحل ایران در ارتباط با دریاهای آزاد با توجه به نحوی محاسبه (در نظر گرفتن یا نگرفتن سواحل جزایر) متفاوت خواهد بود. در هر صورت به نظر می‌رسد طول سواحل ایران در خلیج فارس و دریای عمان یعنی از دهانه‌ی فاو تا خلیج گواتر کمتر از دوهزار کیلومتر خواهد بود. از نظر میزان طول ساحل ایران در میان ۱۲۲ کشور جهان در ردیف بیست و هفتم قرار دارد و در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پس از ترکیه، عربستان سعودی و مصر، دارای بیشترین درازای ساحلی است.(کریمی پور و حیدری، ۱۳۸۸: ۵۸) بنابراین ایران از این حیث در جایگاه نسبتاً مناسبی قرار دارد. اما نظام تقسیمات کشوری به گونه‌ای طراحی شده است که از سی استان فعلی تنها چهار استان امکان دسترسی به آب‌های آزاد را دارند. و سایر استان ها از این فرصت جغرافیایی محروم مانده اند.

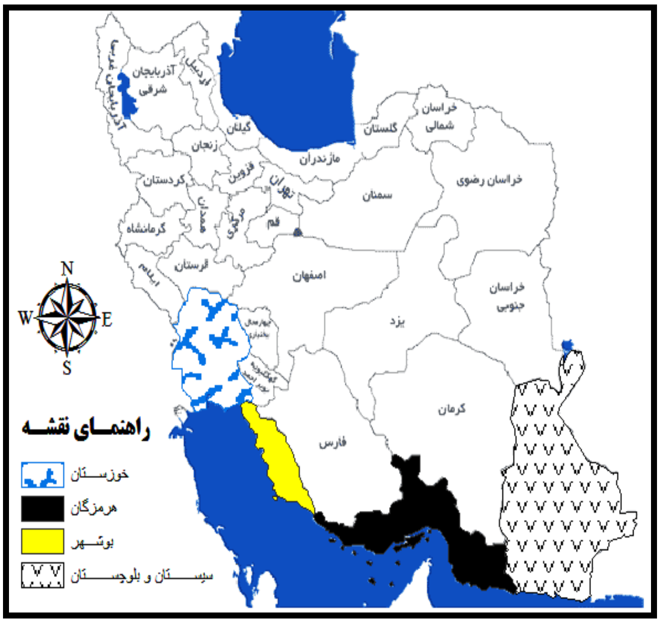
الگوی تقسیمات کشوری باعث شکل‌گیری استان‌های طولی در امتداد سواحل دریای عمان و خلیج فارس شده است. به شکلی که استان هرمزگان دارای بیش از نهصد کیلومتر خط ساحلی با دریای عمان و خلیج فارس می‌باشد. همچنین استان بوشهر به رغم وسط اندک(۲۲۷۴۳ کیلومتر) به شکل طولی بیش از ششصد کیلومتر از سواحل خلیج فارس را شامل است. علی‌رغم این موقعیّت، به دلیل تفویض نشدن

1.Geopolitical
2. London
3.Tokyo
4.Washington
5. New York
6. Sydney

اختیارات محلی به واحدهای تقسیمات کشوری و کنترل متمرکز امور از چهار استان ساحلی نیز سه استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان؛ و بوشهر نتوانسته اند از این موقعیت جغرافیایی استفاده مناسب راببرند. به طوری که در حال حاضر این سه استان جزو استان های محروم و عقب افتاده کشور محسوب می‌شوند و ایران در شمار ده کشور جهان قرار دارد که پایین ترین تراکم نسبی و میزان جمعیت ساحل نشین را به خود اختصاص داده است (کریمی پور و حیدری، ۱۳۸۸: ٦١).

در صورت اصلاح اندک نظام تقسیمات کشوری موجود و تفویض اختیارات به واحدهای تقسیمات کشوری، حداقل سه استان فارس، کرمان و کهگیلویه وبویر احمد امکان دسترسی به آبهای آزاد را خواهند داشت و می‌توانند از این موقعیت در ارتقای سطح توسعه و مراودات تجاری خود استفاده کنند

نقشه شماره ۲: موقعیت و ویژگی استان های ساحلی ایران



ترسیم از: نگارندگان

۳-۲-۱. آب های شیرین و معادن

شاخص‌های بحران آب در ایران به علت قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک، به مراتب نامطلوب تر از متوسط دنیاست. در حالی که یک درصد از جمعیت جهان در ایران زندگی می‌کنند، سهم

این کشور از کل منابع آب شیرین تجدید شونده دنیا تنها ۳٦صدم درصد است (آزادبخت و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۳۷). منبع اصلی منابع آب در ایران را ریزش‌های جوی و مقدار کمی آب که به وسیله‌ی رودخانه‌های مرزی از خارج وارد می‌شوند، تشکیل می‌دهد. میزان متوسط بارش در سطح کشور حدود ۲۵۰ میلی متر در سال است که از متوسط میزان بارش جهانی کمتر است. علاوه بر این، بـه دلیـل عوامـل مختلـف مثـل وجود پستی و بلندی ها، فاصله از دریا و تأثیر سیستم‌های جوّی مختلف، میزان بارش سالانه نیز از نظر مکانی و زمانی پراکندگی یکنواختی ندارد (صداقت، ۱۳۸۳: ۳۳). به طور کلی، در شش درصد مساحت کل کشور، میزان بارش سالانه کمتر از پنجاه میلی‌متر است (مناطق جنوب شرقی- داخلی) و در چهل و شش درصد مساحت کشور کمتر از دویست میلی‌متر (مرکزی، جنوبی، شرقی) و در سی و نه درصد مساحت کشور کمتر از پانصد میلی‌متر (مناطق نیمه‌خشک) و در هشت درصد دیگر متوسط بارش سالانه بین پانصد تا هزار میلی‌متر است (مناطق مرتفع کوهستانی و نواحی جنوب شرق دریای خزر) و در یک درصد سطح کشور متوسط بارش سالانه بیش از هزار میلیمتر است (سواحل جنوب غربی دریای خزر). (کردوانی، ۱۳۸۱: ٦۲). در این میان تقسیمات کشوری موجود الگوی نامتوازن بارندگی و توزیع آب در کشور را شدت بخشیده است و چالش جدی در ارتباط با منابع آب در کشور ایجاد کرده است. به گونه‌ای که حدود هفتاد درصد از آب‌های جاری کشور وارد چهار استان خوزستان، گیلان، مازندران و آذربایجان غربی می‌شود و در حالی که حدود یک سوم آبهای جاری کشور از طریق پنج رودخانه دایمی وارد جلگه خوزستان می‌شود، سه استان ساحلی جنوب کشور، حتی برای مصارف شرب و صنعتی، وابسته به آب های خارج از استان هستند (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

در مورد پراکندگی معادن در کشور و در میان استان ها نیز نوعی عدم توازن مشاهده می‌شود. مهمترین معادن کشور همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود. در فلات مرکزی ایران و در استان های خراسان، کرمان و سمنان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، علت قرار گیری بیشتر معادن در این منطقه از کشور و بین این سه استان، علاوه بر ویژگی های زمین شناسی، وسعت زیاد این استان‌ها و در برگرفتن پهنه‌ی وسیعی از فلات مرکزی ایران باشد. در مجموع می‌توان گفت که اگرچه ویژگی‌های طبیعی سرزمین در ایران باعث تراکم فرصت‌ها و امتیازات جغرافیایی در برخی از مناطق کشور شده است، اما نظام تقسیمات کشوری نیز نتوانسته است در آمایش سیاسی صحیح این فرصت ها و توزیع مناسب

امتیازهای جغرافیایی در میان استان ها به خوبی عمل نماید و نه تنها عملکرد مثبتی در کاهش بـی عـدالتی جغرافیای طبیعی سرزمین نداشته است، بلکه با طرّاحی نامناسب فـضا بـر شـدت بـی عـدالتی فـضایی و جغرافیایی در بین واحدهای تقسیمات کشوری افزوده است.

جدول شماره ۱: موقعیت مکانی معادن ایران

زغال سنگ	سنگ آهن	سرب و روی	سنگ طلا	سنگ مس	کرومیت
کرمان	خراسان	خراسان	اصفهان	کرمان	خراسان
سمنان	سمنان	سمنان	آذربایجان	خراسان	سمنان
خراسان*	کرمان	کرمان	غربی	قزوین	کرمان
یزد	یزد	یزد	خراسان	آذربایجان	سیستان
ایلام	همدان	مرکزی		شرقی	و بلوچستان
آذربایجان	مرکزی	همدان			
شرقی	کردستان	کردستان			
کرمنشاه	زنجان	زنجان			
مازندران	آذربایجان	آذربایجان			
تهران	غربی	غربی			

ماخذ: مرکز آمار ایران،۱۳۸۳

۳–۱. **توسعه‌ی نامتوازن استانی** (شکل گیری پدیده مرکز_ پیرامون)

شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی، حـاکی از آن اسـت کـه ایـران دارای ساختار فضایی مرکز– پیرامون[1] هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه ای و محلی است (حـافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۷–۱۸٦). برخی مطالعات انجام شده عدم تعادل و شکاف نابرابری های منطقه ای در کـشور را حتی بیشتر از ده برابر دانسته و اعلام می‌کنند که در توسـعه‌ی کـشور الگـوی مرکـز– پیرامـون حاکمیـت شدیدی دارد، به‌گونه‌ای که بیشتر شهرستان‌های عقب مانده در نـواحی حاشـیه ای و مـرزی کـشور و در

* استان خراسان ذکر شده در جدول قبل از تقسیم آن آن در سال ۱۳۸۳ است.

1. Core_ Periphery

مناطق کوهستانی واقع شده اند (کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۹۳) عدم تعادل منطقه ای آثار و عواقب زیانبار فراوانی برای کشور به دنبال دارد که به برخی از آنها شامل: افزایش فرایند تمرکزگرایی، افزایش بستر های نارضایتی‌های اقتصادی- اجتماعی، ادامه روند مهاجرت و حاشیه نشینی، افزایش فرایند واگرایی و مرکزگریزی در مناطق مختلف، افزایش احساس تبعیض و فاصله‌ی طبقاتی، گسستگی پیوند ارگانیک بین بخش‌های مختلف اقتصادی و مناطق مختلف کشور، افزایش تخریب محیط زیست و فشار اکولوژیکی به‌ویژه در اثر رشد بی رویه‌ی شهرهای بزرگ، عدم بهبودی در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه برخی از بخش‌های کشور است(احمدی پور و دیگران، ١٣٨٦: ٢٦). براساس پژوهشی که توسط معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری با عنوان شناسایی نواحی کمتر توسعه یافته انجام شده است، شهرستان های کشور از نظر میزان محرومیت در پنج رتبه طبقه بندی شده اند. به این نحو که گروه یا رتبه‌ی یک شامل شهرستان هایی هستند که دارای بیشترین میزان محرومیت هستند و رتبه‌ی پنج شامل شهرستان هایی است که کمترین محرومیت یا بیشترین میزان برخورداری را دارند. با بررسی شهرستان های هریک از استان های کشور، مشاهده می‌شود برخوردار ترین استان، استان تهران است که تمام شهرستان آن در رتبه پنج و جزو برخوردارترین ها قرار دارند و محرومترین استان کشور، استان سیستان و بلوچستان است که از ده شهرستان آن، نه تای آنها در زمره محرومترین شهرستان ها یعنی رتبه یک قرار دارند. نکته‌ی قابل توجه این است که استان سیستان و بلوچستان و زاهدان دارای بیشترین میزان فاصله‌ی جغرافیایی تا مرکز حکومت(تهران) است. با بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود که از میان ده استانی که بیشترین محرومیت را دارند (سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، کرمان، ایلام، هرمزگان، کردستان، خراسان جنوبی، آذربایجان غربی و اردبیل) هشت مورد از آنها استان های مرزی به شمار می‌آیند و دوتای دیگر در فاصله جغرافیایی زیاد از مرکز حکومت قرار دارند.(کرمان و کهگیلویه و بویر احمد) از سوی دیگر شش استانی که پس از استان تهران بیشترین میزان برخورداری را دارا هستند، همگی در همسایگی استان تهران قراردارند. این روند در سطح اول (استان ها) واحدهای تقسیمات کشوری نشان دهنده‌ی شکل گیری پدیده مرکز- پیرامون و توسعه نامتوازن استانی می‌باشد.

نقشه شماره ۳: محرومترین و برخوردارترین استان های کشور (ترسیم از نگارندگان)



هر چند خاستگاه اصلی این عدم تعادل را باید در وضعیت طبیعی و جغرافیایی متفاوت ایـن دو کـلان منطقه جستجو کرد. اما سیاست‌ها و راهبردهای اداری چه در سطح ملی و چه در سـطح منطقـه‌ای و بـین المللی، در ایجاد و یا تشدید این عدم تعادل‌ها، نقش بسزایی داشته است. انتخاب ارادی قطب‌هـای رشـد، سیاست وارداتی و صادراتی، ایجاد و تجهیز شبکه‌های زیربنایی و اتکای اصلی به نفت، موجـب فرامـوش شدن ماندن قابلیت‌های ارزشمند مناطق شرقی کشور، از دید تصمیم گیران ملی شده است. به هر صـورت آنچه واقعیت دارد، نابرابری های کلان موجود در کشور است که آشکارا، نوعی دوگانگی در امر توسعه را موجب شده است(دفتر آمایش، ۱۳۸۳: ۱۴۳). علاوه براین، این پدیده (مرکز– پیرامون) در سـطح منطقـه‌ای و استانی نیز شکل گرفته است و شهرستان ها و بخش های نزدیک به مرکز استان ها بـه مراتـب نـسبت بـه شهرستان ها و بخـش هـایی کـه دارای فاصـله‌ی جغرافیـایی بیـشتری هـستند از وضـعیت مـساعدتری برخوردارند. این موضوع تا حدود زیادی ناشی از ویژگی ها و شکل حکومت (بسیط و متمرکز) مـی‌باشـد که باعث تراکم منابع، امکانات، تسهیلات، بودجه و غیره در مرکز حکومت شده است، به گونه‌ای که تهران

به عنوان مرکز سیاسی کشور، بیشترین امکانات زیربنایی، تولیدی، خدماتی، تسهیلات اجتماعی و رفاهی را در خود جای داده است(جوان، ۱۳۸۳: ۱۱۸-۱۱۷). بنابراین در ساختار فضایی کشور با افزایش فاصله از مرکز، حکومت از میزان توسعه کاسته و بر شدت محرومیت افزوده می‌شود (نقشه شماره ۳). وجود بی عدالتی جغرافیایی و توسعه‌ی نامتوازن بخشهای جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی ملی شده و منجر به بروز تحرکات واگرایانه بویژه در مناطق قومی شود که این مساله تاثیر نامطلوبی بر امنیت ملی و در نتیجه توسعه‌ی کشور دارد (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸٦: ۲۲). با اطمینان می‌توان گفت که هیچ نوع همگرایی، همگنی و اتحاد تاریخی دراز مدت ملی در چارچوب فضای سرزمینی دولت با توسعه‌ی نامتوازن منطقه ای حاصل نخواهد شد(کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲٤). در واقع افزوده شدن توسعه نامتوازن منطقه‌ای (استانی) به عوامل واگرایی سنتی مذهبی، فرهنگی، قومیت و نژاد قدرت نیروهای واگرا را در مناطق مرزی و حاشیه ای دو چندان ساخته است. در این میان نظام تقسیمات کشوری و نظام تقسیم بندی سیاسی فضا که یکی از کار ویژه های آن ایجاد تعادل منطقه ای و فراهم سازی بسترهای توسعه‌ی متوازن منطقه‌ای است در عمل به رسالت خود ناکام مانده است و نتوانسته است مانع از شکل گیری پدیده مرکز – پیرامون شود یا حداقل از شدت آن کاسته و آن را تعدیل نماید.

٤-۱. بی توجهی به اصول و اهداف تقسیمات کشوری (فرایند علمی تقسیمات کشوری)

تقسیمات کشوری و سازماندهی سیاسی فضا دارای اصول، اهداف و ملاحظاتی است که باید در مراحل طراحی، تدوین، پیاده سازی و اجرا در نظر گرفته شوند. در واقع توجه به این موارد باعث می‌شود تقسیمات کشوری از چالش و منابع تهدید کمتری برخوردار شود و در عوض کارکرد موثرتری در راه توسعه و پیشرفت کشور از خود به نمایش بگذارد. اما در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ایران تعریف مشخص از اصول، اهداف و فرایند اجرایی سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری به میان نیامده است. در این قانون به طور کلی به سه موضوع پرداخته شده است:

۱. تعاریف عناصر تقسیمات کشوری شامل روستا، دهستان، شهر، بخش، شهرستان و استان و میزان تراکم جمعیتی در سطوح مختلف برای آنها؛

۲. تعیین نظام اداری سطوح مختلف نظام تقسیمات کشوری؛

۳. در مورد هرگونه انتزاع، الحاق، تبدیل، ایجاد و ادغام و همچنین تأسیس هرگونـه واحـد و سـازمان اداری و نهادهای مستقل....

همچنین قوانین تقسیمات کشوری به ضوابط و شاخص های علمی از قبیـل: مکـان مرکـزی، فاصـله، دسترسی، تعیین کانون‌ها، مشارکت مردمی، مرزبندی، الگوبندی و غیره اشاره صـریح و مشخـصی نکـرده است. بنابراین تقسیمات کشوری در ایران پیش از آن که به اصول، اهداف و ملاحظـات عمـده تقـسیمات کشوری و تهیه یک چارچوب علمی برای تقسیم بندی سرزمین توجه داشته باشد، به ملاحظات سیاسی- اداری توجه کرده است و صرفاً قانونی حکومتی و دولتی به شمار می‌آید. در مجموع می‌توان گفت وجود چالش و منابع متعدد تهدید در نظام تقسیمات کشوری ناشی از توجه نکردن به شـاخص هـای علمـی و نداشتن یک استراتژی مدون در طراحی و تدوین قانون تقسیمات کشوری به عنوان نقشه راه تقسیم بنـدی سیاسی سرزمین است.

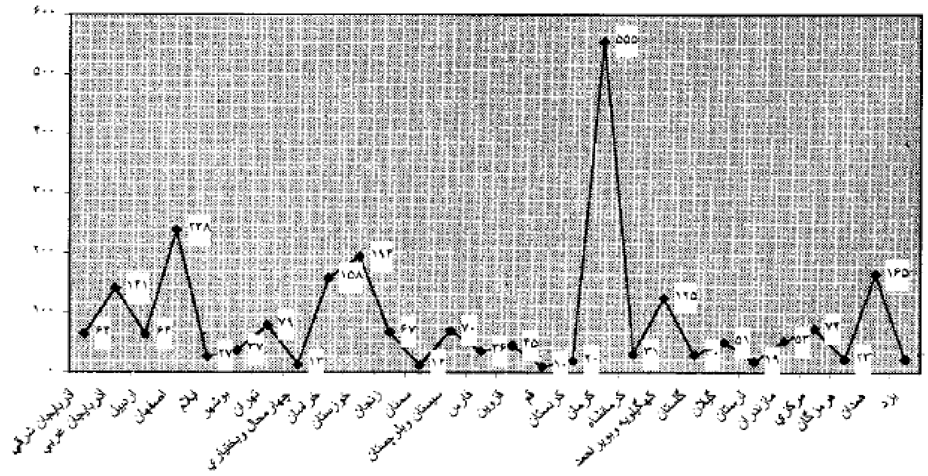
۲. چالش های شکلی و کالبدی

۱-۲. بی ثباتی در الگوی تقسیمات کشوری

از قانون مند شدن تقسیمات کشوری با تصویب قانون ایالات و ولایـات در سـال ۱۲۸۵ه.ش، الگـوی تقسیمات کشوری دچار تغییرات بسیار زیادی شده است به طوری که تعداد استان ها بین سال های ۱۳۱٦ تا ۱۳۸۹ از ٦ به ۳۱، شهرستان ها از ٤۹ به ۳۸۳ و تعداد بخش ها از ۳۱۰ به ۹۵۵ عدد افزایش یافته اسـت. چنانچه روند افزایش استانها و پیش بینی آینده بر اساس روش سری‌های زمانی رسم شود، تـا سـال ۱٤۱۰ تعداد استان ها حداقل به چهل افزایش خواهد یافت (رهنما و احمدی پور، ۱۳۸۲: ۳۸). شـکل‌گیـری واحـد های جدید باعث تغییر در محدوده و مرزهای واحدهای تقسیمات کشوری می‌شود، که این موضـوع بـی ثباتی در مدیریت فضا و واحدهای تقسیمات کشوری را به همراه خواهد داشت. اگر شکل گیری، الحـاق، انتزاع را از موارد تغییر در مرزها و محـدوده هـای واحـدهای تقـسیمات کـشوری در نظـر بگیـریم تمـام واحدهای تقسیمات کشوری در سطح اول مشمول تغییر در مرزها و محدوده های خود شده‌اند. علاوه بر بی‌ثباتی در محدوده‌های واحدهای تقسیمات کـشوری، تغییـر اسـامی و نـام هـای واحـدهای تقـسیمات کشوری نیز یکی دیگر از چالش های بی ثباتی در نظام تقسیمات کشوری ایران به شمار می‌آیـد. تغییـر در اسامی واحدهای تقسیمات کشوری در دو دوره مشخص شده و فراوانی زیادی داشته اسـت: اولـین دوره

مربوط می‌شود به بعد از به حکومت رسیدن رضاخان و تغییرات تقسیمات کـشوری در سـال ١٣١٦ ه.ش که در آن زمان نام واحدهای اول تقسیمات کشوری از نام تاریخی خود به عدد به ترتیب از یک تا ده تغییر داده شدند. دومین دوره مربوط می‌شود به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کـه تغییـر در اسـامی واحـدهای تقسیمات کشوری در تمامی سطوح و در طیف گسترده ای صورت پذیرفت. به طوری که در دوره ١٣٦٠ تا ١٣٦٩ حدود ١٧٥٤ نام واحدها و عناصر تقسیمات کشوری در استان های مختلف تغییر کـرد. (احمـدی پور، ١٣٨٢: ١٦)

نمودار شماره ۱: تغیر نام واحدها و عناصر تقسیمات کشوری صورت گرفته به تفکیک استان ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی



منبع(احمدی پور، ۱۳۸۲: ۱۷)

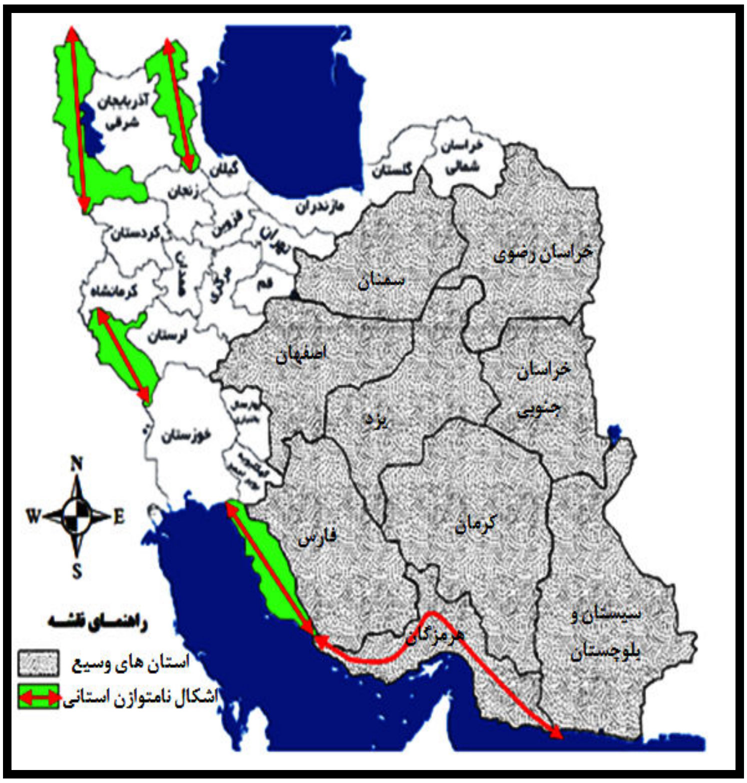
۲-۲. شکل و وسعت نامتوازن استان ها

در ملاحظات مربوط به سازماندهی سیاسی فضا، معمولاً قالب‌های فضایی فـشرده، مـدور، مربعـی یـا مربع مستطیل با کانون واقع در مرکز ثقل جغرافیایی واحد سیاسی کارایی بهتـری دارنـد؛ بنـابراین از ایجـاد قالب‌های طویل به ویژه در نواحی مرزی، آن هم نامتجانس با بدنه‌ی کـشور بایـد پرهیـز شـود؛ زیـرا امـر سرویس دهی و اداره امور آن را مشکلتر و خطر جدایی طلبی در این مناطق تشدید مـی‌شـود.(حـافظ نیـا، ١٣٨١: ٤٠٥) اما در طراحی واحدهای تقسیمات کشوری سطح اول (استان) در ایران توجه چندانی بـه ایـن

موضوع نشده است و استان های مرزی هرمزگـان، بوشـهر، و در مراتـب بعـدی آذربایجـان غربـی، اردبیل و ایلام دارای شکل طولی هستند و فاصله‌ی شرق و غرب و یا شمال و جنوب این استان‌هـا، نسبت به مساحت آنها بسیار طولانی است. به طوری که استان هرمزگان با وسـعت ۷۰٦۹۷ کیلـومتر مربع و استان بوشهر با وسعت ۲۲۷٤۳ کیلومتر مربع (وزارت کشور، ۱۳۸۵) به خط مستقیم به ترتیـب بیش از ۹٦۰ و ٤۲۰ کیلومتر طول دارند. این در حالی است که محاسبه‌ی طول این استان ها بـا خـط غیر مستقیم و منطبق بر ویژگی‌های طبیعی آنها به ترتیب به بیش از دوهزار و هزار کیلـومتر خواهـد رسید. این موضوع باعث می‌شود که نظام تقسیمات کشوری در عمل بـه اهـداف و اصـول خـود از جمله: اصل تسهیل خدمات رسانی و تأمین نیازهای سکنه‌ی مقیم، اصل دسترسی سریع و کم هزینـه به مرکز خدمات یا کانون ناحیه‌ی سیاسی و همچنین اصل رضایتمندی سـکنه‌ی فـضای جغرافیـایی، ناکام بماند. استان‌های گیلان، مازنـدران و گلـستان نیـز دارای شـکل کـشیده و طـولی هـستند، امـا ویژگی‌های طبیعی منطقه و وجود سلسله جبال البرز که دو محـیط طبیعـی و انـسانی متفـاوت را در دوسوی خود ایجاد کرده است، این نوع تقسیم بنـدی را نـاگزیر سـاخته اسـت. عـلاوه بـر اشـكال نامتوازن استانی، وسعت نابرابر و بی توازنی در اندازه استان‌ها یکی دیگـر از چـالش‌هـای تقـسیمات کشوری است. به طوری که نه استان وسیع کشور، کـه شـامل سیـستان و بلوچـستان، کرمـان، یـزد، فارس، اصفهان، خراسـان رضـوی، سـمنان، خراسـان جنـوبی و هرمزگـان مـی‌باشـند. بـا وسـعت ۱۰۲۰۵۹۸کیلومتر مربع بیش از شصت و دو درصـد از وسـعت خـاکی کـشور را در برگرفتـه‌انـد و بیست ودو استان دیگر کمتر از ۳۸ درصد مساحت کشور را در اختیار دارند. این در حالی است کـه وسعت بزرگترین استان کشور (سیستان و بلوچستان) بـیش از سـی و یـک برابـر کـوچکترین اسـتان کشور (البرز) می‌باشد. وسعت زیاد استان ها در نواحی مرکـزی، شـرقی و جنـوبی کـشور مـدیریت سیاسی فضا را با مشکل روبرو کرده است و باعث شـده خـدمات رسـانی و تخـصیص بودجـه بـه شکل مناسبی صورت نپذیرد. ویژگی های جغرافیایی و بافت فرهنگی و مذهبی استان های واقـع در مرکز کشور، مخصوصاً استان های فارس، یزد، اصفهان و سـمنان زمینـه را بـرای هرگونـه تغییـر در تقسیمات کشوری مساعد ساخته است. به این معنی که تغییرات مورد نظـر، مـشکلی از نقطـه نظـر ایجاد بحران های استراتژیکی به وجود نمی آورد (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ٦٦).

بنابراین شکل های نامتوازن و اندازه های وسیع و نابرابر از چالش های شکلی و کالبدی نظام تقسیمات کشوری ایران به حساب می‌آید.

نقشه شماره ٤: استان های وسیع و نامتوازن



ترسیم از: نگارندگان

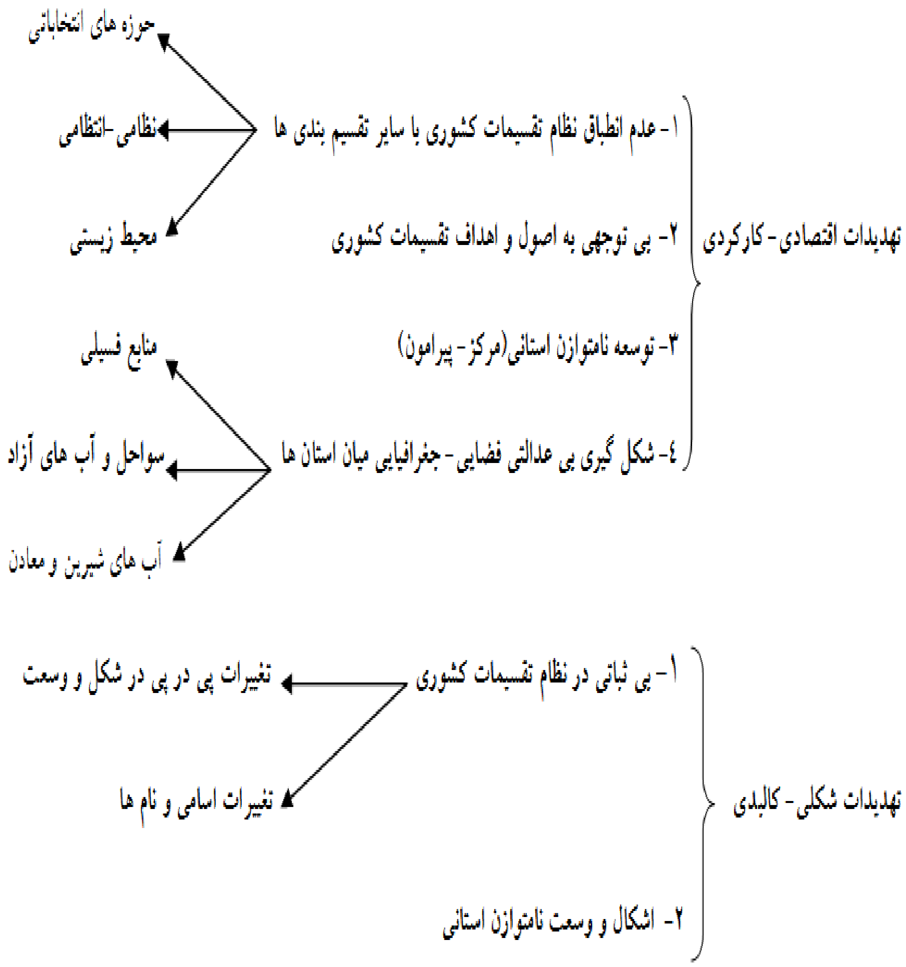
نتیجه گیری و تجزیه تحلیل

به طور کلی تهدیدات اقتصادی- کارکردی نظام تقسیمات، شامل عدم انطباق نظام تقسیمات کشوری با سایر تقسیم بندی ها در کشور، شکل گیری بی عدالتی فضایی- جغرافیایی میان استان ها، توسعه‌ی نامتوازن استانی، بی توجهی به اصول و اهداف تقسیمات کشوری هستند. همچنین مهمترین تهدیدات شکلی و کالبدی نظام تقسیمات کشوری نیز شامل دو عامل اشکال و وسعت نامتوازن و بی ثباتی در محدوده‌ی واحدهای تقسیمات کشوری است.

از چالش های کارکردی می‌توان به نبود توجه به کارکردهای چندگانه‌ی تقسیمات کشوری و عدم انطباق الگوی تقسیمات کشوری با سایر تقسیم بندی ها از جمله حوزه های انتخاباتی، تقسیم بندی های – انتظامی و زیست محیطی اشاره کرد. در واقع تقسیمات کشوری باید به گونه ای طراحی شود که تمام کارکردهای انتخاباتی، نظامی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و.... را شامل شده و نیازی به تقسیم بندی جداگانه از آن پیش نباشد. اما نظام تقسیمات کشوری در ایران نتوانسته است به این وظیفه‌ی خود عمل کند.

از دیگر چالش‌های اقتصادی-کارکردی نظام تقسیمات کشوری بی‌عدالتی فضایی- جغرافیایی میان استان‌های کشور است. اگرچه ویژگی های طبیعی سرزمین موجب تراکم فرصت‌ها و ارزش‌های جغرافیایی(منابع فسیلی- سواحل و آب‌های آزاد و آب‌های شیرین و معادن) در برخی از مناطق کشور شده است اما نظام تقسیمات کشوری نیز نتوانسته است آمایش سیاسی صحیحی را در توزیع این فرصت های جغرافیایی ایجاد کند و در نتیجه، این بی عدالتی طبیعی را تشدید کرده است. علاوه بر این، شکل گیری پدیده مرکز- پیرامون در میان واحدهای تقسیمات کشوری (استانی) نشان‌دهنده‌ی آن است که نظام تقسیمات کشوری در عمل به یکی از وظایف و کارکردهای خود یعنی فراهم سازی بسترهای توسعه متوازن منطقه‌ای، ناکام مانده است. در نهایت بی توجهی به اصول و اهداف تقسیمات کشوری و فرایند علمی سازماندهی سیاسی فضا موجب شده است که نظام تقسیمات کشوری به طور کلی کارکرد مناسبی را از خود به نمایش نگذارد.

از دیگر چالش‌های تقسیمات کشوری، چالش‌های شکلی- کالبدی هستند. بی‌ثباتی در محدوده‌ها و مرزهای واحدهای تقسیمات کشوری، باعث شکل‌گیری بی‌ثباتی مدیریتی شده و تغییرات پی‌درپی از کارکرد مؤثر تقسیمات کشوری کاسته است. همچنین شکل‌ها و وسعت های نامتوازن یکی دیگر از چالش های شکلی و کالبدی تقسیمات کشوری است که این موضوع باعث شکل گیری استان های با اختلاف وسعت زیاد و همچنین اشکال طولی و کشیده مخصوصاً در سواحل دریای عمان و خلیج فارس و نواحی مرزی شده است. بنابراین، با توجه به عناصر متعدد تهدید در نظام تقسیمات کشوری ایران، مخصوصاً تهدیدات اقتصادی- کارکردی و شکلی- کالبدی، لزوم بازنگری و اصلاح الگوی تقسیمات کشوری الزامی است.



قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از حمایت‌های اداره کل تقسیمات کشوری وزارت محترم کشور، به لحاظ فراهم نمودن شرایط و بسترهای انجام طرح تحقیقاتی با عنوان «تحلیل منابع تهدید در تقسیمات کشوری ایران و ارائه الگوی مناسب» که مقاله‌ی حاضر برگرفته از طرح مذکور است، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشند.

کتابنامه

۱. احمدی پور، زهرا. (۱۳۸۲). تحلیلی بر سیر نام گذاری واحد های سیاسی- اداری در ایران. مدرس. دوره۷. شماره ۲. تابستان .۱۳۸۲

۲. احمدی پور، زهرا و علیرضا منصوریان. (۱۳۸۵). تقسیمات کشوری و بی ثباتی سیاسی در ایران. (۱۳۵۷ _ ۱۲۸۵). فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دوم شماره اول. بهار ۱۳۸۵.

۳. احمدی پور، زهرا و مختاری هشی، عبدالرضا و افتخاری، رکن الدین و وزین، نرگس. (۱۳۸٦). بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهای سیاسی- اداری کشور. مطالعه‌ی موردی: استان‌های ایران در برنامه های اول تا سوم توسعه (۸۳-۱۳٦۸).فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک. سال سوم. شماره اول.

٤. آزادبخت، بهرام و نوروزی، غلامرضا. (۱۳۸۷). جغرافیای آب‌های ایران. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

۵. تایلور، پی.جی و جانستون، آر. جی (۱۳۸٦). جغرافیای انتخابات. ترجمه‌ی زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری. نشر قومس. تهران.

٦. بدیعی، ربیع. (۱۳٦۲) . جغرافیای مفصل ایران . انتشارات اقبال.

۷. پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور.

8. http://www.moi.ir/portal

۹. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: سمت.

۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی. انتشارات سمت. تهران.

۱۱. جوان، جعفر. (۱۳۸۸). جغرافیای جمعیت ایران. چاپ چهارم. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد مشهد.

۱۲. رهنما، محمد رحیم و احمدی پور، زهرا. (۱۳۸۲). درجه بندی نظام تقسیمات کشوری. فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی؛ مشهد.

۱۳. صداقت، محمود. (۱۳۸۳). *منابع و مسائل آب ایران*. چاپ پنجم دی ماه ۱۳۸۳. انتشارات پیام نور.

۱٤. کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۹). *ناحیه گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی*. چاپ اول. ناشر پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران.

۱۵. کلانتری، خلیل. (۱۳۷۷). *شناسایی مناطق عقب افتاده در ایران*. فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. شماره ٤۸ بهار .۱۳۷۷

۱۶. کردوانی، پرویز. (۱۳۸۱). *آب‌های سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره برداری از آنها*. جلد اول. چاپ ششم. انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷. کریمی پور، یدالله و حیدری، غلام‌حسین. (۱۳۸۸). *ژئوپلیتیک کرانه های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی*. ناشر دانشگاه تربیت معلم تهران.

۱۸. کریمی‌پور، یدالله. (۱۳۸۱)؛ *مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران*. جلد نخست: وضع موجود. تهران: انجمن جغرافیایی ایران.

۱۹. کریمی پور، یدالله و محمدی، حمید رضا. (۱۳۸)؛ *ژئوپلیتیک ناحیه گرایی و تقسیمات کشوری ایرن*. نشر انتخاب. چاپ اول. تهران.

۲۰. مرکز آمار ایران . (۱۳۸۳)

۲۱. مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. ترجمه‌ی دره میرحیدر. تهران. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

22. http:www://upload.wikimedia.org

23. http://www.zist1.blogfa.com